

رژیم آپارتاید در تدارك حمام خون

مقابله کند. آخرین بار، مقررات فوق العاده در آفریقای جنوبی تا هفتم ماه مارس سال جاری ادامه داشت از جمله دستگیرشدگان روز پنجشنبه، عده ای از رهبران سازمان های کلیسایی و سازمان های ضد آپارتاید هستند. در منطقه ژوهانسبورگ چندین رهبر سندیکاها بازداشت شدند. به گزارش منابع نزدیک به "جبهه متحد دمکراتیک"، دههاتن از فعالین جنبش بقیه در صفحه ۲

پنجشنبه گذشته چهار روز پیش از دهمین سالگرد حمام خون سووتو رژیم آپارتاید در سراسر آفریقای جنوبی "وضع فوق العاده" اعلام نمود. قرار بود در سالگرد کشتار سووتو اعتصاب عمومی سرتاسری علیه رژیم نژاد پرست آفریقای جنوبی انجام گیرد به دنبال اعلام وضع فوق العاده، پلیس طی عملیات گسترده بگرو بپند در همه مناطق، صدها تن از مخالفان رژیم نژادپرست را دستگیر کرد. در پرتوریا، ژوهانسبورگ و دوربان، پلیس به دفاتر سازمانهای ایوزیبوسین یورش آورده و این دفاتر را اشغال نمود. ناظران معتقدند رژیم پرتوریا زمان اعلام وضع فوق العاده را به گونه ای برگزید که بتواند با اعتراضات و اعتصاب سراسری بمناسبت دهمین سالگرد قیام سووتو



صحنه ای از مقاومت مردم "کراس رودز" در برابر یورش مزدوران رژیم آپارتاید



دوشنبه ۲۶ خرداد ۱۳۶۵ - ۱۶ ژوئن ۱۹۸۶
پهنا ۶۰ - ریبال - سال سوم - شماره ۱۱۱

غول بیکاری زندگی مردم را سیاه کرده است

گزارشات ارسالی از کارخانجات کشور حاکی است که شتاب اخراج کارگران شدت بی مانندی گرفته است. گزارش های واصله از دیگر موسسات و ارگانها نیز چنین روندی را تصویر می کند. بیکاری بلیه هولناکی است که اینک سایه شوم خود را بر سر همه شاغلین در موسسات دولتی و خصوصی پهن کرده است. برخیل انبوه بیکاران کنونی، علاوه بر هزاران هزار جوانی که تازه وارد بازار کار می شوند، مداوما گروه کثیری از اخراج شدگان از کار افزوده می شود. لشکر بیکاران جستجو برای یافتن کاری تازه را بی هیچ امید دیگری دنبال می کنند. زیرا هیچ محل کار تازه ای ایجاد نمی شود. به دشواری می توان آماری برای تعیین تعداد بیکاران کشور ارائه کرد. بنا به مندرجات قطعنامه پایانی سمینار اتاق های بازرگانی و صنایع و معادن کشور، در سال جاری تنها سه میلیون کارگر بیکار خواهند شد. مصاحبه هفته گذشته آقا زاده وزیر نفت کابینه موسوی حاکی از این بود که این پیش بینی، واقعی است. او نیز اذعان داشت که با توجه به قلت درآمد ارزی دولت و کثرت هزینه های ارزی جنگ، تامین نیازهای ارزی صنایع و دیگر واحدهای تولیدی کشور ناممکن است.

در شرایطی که کمر مردم زیر فشار گرانی سرسام آور خم شده است، وضعیت بیکاران را با هیچ صفتی نمی توان توصیف کرد. مندرجات همه نامه ها و گزارش هایی که برای ما فرستاده می شود، دال بر این است که در هفته های اخیر بهای کالاهای مصرفی مردم در سطح کشور فوق العاده افزایش یافته است. دستیابی زحمتکش به بسیاری از کالاها ناممکن شده است و گذران زندگی هر چه دشوارتر می شود. در چنین احوالی می توان دریافت بیکاران که فاقد هر گونه اندوخته ای هستند، چه می کنند. حتی خوش بین ترین هواداران رژیم خمینی نیز بقیه در صفحه ۲

خمینی بار دیگر یاد "حبل الله" کرده است

نمایش گذاشت. ما خیر این شکل مبارزه قدرت در جمهوری اسلامی را قبلا درج کردیم و نوشتیم که در جریان آن حداقل یک نفر به اسم محمد تقی محمدی، کاردار ایران در افغانستان در زندان اوین کشته شده است. این واقعه و پیامدهای آن به خوبی شیوه های مورد استفاده باندها و چریقات درون حکومت را نشان می دهد.

در تاریخ ۸ خرداد ماه نامه ای به خمینی از سوی ۶۰ تن از وزراء، نمایندگان مجلس و معاونین وزارتخانه های جمهوری اسلامی انتشار یافت. در این نامه نسبت به دستگیری کسانی که به اتهام شرکت بقیه در صفحه ۲

هفته پیش بار دیگر خمینی سران رژیم رو به زوالش را به وحدت و یکپارچگی فرا خواند. وی در دیدار با مسئولین طراز اول حکومت که به مناسبت پایان ماه رمضان انجام یافت، تضعیف قوه "قضائیه، مقننه و درلت" را جرم و گناهی نابخشودنی توصیف کرد و گفت: "در شهرها اعتنان کنند آقایان به شیاطینی که می خواهند اختلاف بیاندازند حفظ اسلام به حفظ وضعیت است. اگر در شهری اختلافی واقع است بدانید که دست شیطان در کار است."

دور تنوایی جدید اوج گیری کشمکش های درون حکومت، خود را با افشا شدن دستگیری گروهی از عوامل یکی از باندهای درون حکومت توسط باندی دیگر به

در این شماره

• بیان فشرده ای از:

مفهوم اخلاق در مارکسیسم

در صفحه ۱۰

• دفاعیه نلسون ماندلا در دادگاه

در صفحه ۶

• زنان، پشتاز مبارزه برای صلح

در صفحه آخر

• حال و روز پیران ما

در صفحه ۲

"عده ای از اولیاء دانش آموزان"!

دعایی که مدت هاست صفحاتی از روزنامه های جمهوری اسلامی را به خود اختصاص داده است بالاخره با موضع گیری خمینی پایان یافت. یک سوی این دعا وزارت آموزش و پرورش و دولت بود و سوی دیگر آن "عده ای از اولیاء دانش آموزان" و سرآخر هم زور "عده ای از اولیاء دانش آموزان" به زور دولت چریبید و قضیه با پیروزی "عده ای از اولیاء" پایان یافت.

قضیه از این قرار بود که از قریب یک ماه پیش در دو مدرسه مدرس و چیت چیان در تهران که فرزندان بازاریان کردن کلفت و برخی رجال مملکتی در آن به تحصیل اشتغال دارند "عده ای از اولیاء" بقیه در صفحه ۲

برسنگفروش

شعری از احمد شاملو

در صفحه ۱

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!

غول بیکاری زندگی مردم را سیاه کرده است

بقیه از صفحه اول

نمی توانستند دورنمای روشنی را تصویر نمایند. در نیمه دوم سال جاری، وقتیکه انبارهای تجار و کمرگات کشور از کالاهای موجود تهی شده، مصیبت زحمتکشان ابعادی فوق تصور خواهد گرفت.

بروز این مصیبت در چنین ابعادی ناشی از کارکرد رژیم منحوس جمهوری اسلامی است. که جز فقر و فلاکت و جنگ و ویرانی حاصلی نمی تواند داشته باشد. جنگ که خمینی ابدیت آن را خواستار است، یکی از عمده ترین عوامل بروز این بلا می میباشد. اما همین بلا میباید نیز برای رژیم تبهکار و جنگ افروز جمهوری اسلامی وسیله ای شده است تا با آن تنور جنگ را باز هم شعله ورتر سازد. برای بیکاران فقط راه رفتن به جبهه را کشوده که داشته اند.

رژیم در ماه های اخیر علاوه بر اینکه پا به راه انداختن انبوه اکیب های سربازگیری می کوشد جبهه ها را انباشته از سرباز کند، با سو

استفاده از فلاکت اقتصادی زحمتکشان و استیصال بیکاران، تلاش می کند تا آنان را وادار سازد به رفتن به جبهه تمکین کنند. سدی که کلیشه آن را در صفحه ۲ می بینید. نمونه ای از این تشیقات را نشان می دهد.

در برابر غول بیکاری که پرورده و فرزند مشروع هیولایی به نام رژیم ولایت فقیه است، مقاومت مردمی جریان دارد که زندگیشان سیاه شده است. کارگران و رنجبران که قربانیان اصلی این پلیه هستند، در صف مقدم مبارزه با آن جای دارند و در برابر تشیقات ریذلانه و تبهکارانه رژیم مقاومت نشان می دهند. گسترش بیکاری و دیگر مصائب ناشی از فروپاشی اقتصاد کشور اکنون به زمینه ای بدل شده است که بر بستر آن مبارزه کارگران و زحمتکشان می تواند ارتقا بیشتری یابد. ارتقا چنین مبارزه ای نه فقط قطع دستان سیاه غول بیکاری که تدفین هیولایی به نام ولایت فقیه را تشویق بکشد است.

وضع فوق العاده در ...

بقیه از صفحه اول

سیاه بوستان مبارزه مخفی تحت شرایط جدید را آغاز کرده اند.

رژیم آپارتاید هم زمان با تشدید سرکوب، امکانات پخش گزارش های مربوط به آفریقای جنوبی را نیز محدود کرده است. خبرنگاران خارجی عملاً اجازه کوچکترین فعالیتی در این کشور ندارند.

مورفی مورویه، سخنگوی "جبهه متحد مکراتیک" از مخفیگاه خود بیانییه ای انتشار داد که در آن آمده است دولت، راه حمام خون در آفریقای جنوبی را هموار کرده است. بیانییه می افزاید دولت با اقدامات سرکوبگرانه جدید، خود را در داخل و خارج از کشور باز هم بی اعتبارتر می کند. مورویه خواهان واکنش قاطع جهانی علیه رژیم نژاد پرست شد و خاطر نشان ساخت: " هرگونه تعللی، به معنی واگذاری سرنوشت میلیونها تن مردم آفریقای جنوبی به آپارتاید است."

از سال ۱۹۶۰ بدین سو، این سومین بار است که در آفریقای جنوبی وضع فوق العاده اعلام می شود. در سال ۱۹۶۰، بدنبال کشتار ۶۹ تظاهرکننده در شارپویل به دست پلیس، مقررات فوق العاده اعلام شد و ۱۰ هزار تن

دستگیر گردیدند. در ژوئیه ۱۹۸۵، بدنبال ماهها ناآرامی، چندین استان تحت مقررات فوق العاده قرار گرفت. این مقررات که تا هفتم مارس پابرجا بود، به پلیس امکان دستگیری بدون محاکمه افراد را می داد.

این بار اعلام حکومت نظامی در آفریقای جنوبی بدنبال چند هفته درگیریهای خونین در شهرک های سیاهپوست نشین اطراف شهرهای بزرگ صورت گرفت. دولت آفریقای جنوبی که سیاست ضد بشری اسکان دادن سیاهپوستان در مناطق تحت الحفظ را دنبال می کند، همواره کوشیده است زاغه های اطراف شهرهای بزرگ را که مردم سیاهپوست زندگی در آن جا را به اسارت در "هوم لند" ها (مناطق تحت محاصره) ترجیح می دهند، تخلیه کند و این بار بدین منظور به دستجات مزدور متشکل از سیاهپوستان اجیر نژاد پرست متوسل شده است. این گروه های مزدور در هفته های اخیر دست به کشتار و ارباب زاغه نشینان و تخریب آشیانه های محقر آنها زده اند. مقاومت گروه های دفاع از خود مردم در برابر این دستجات، بیانیه رژیم برای تشدید سرکوب بوده است.

عدهای از اولیاء ...

بقیه از صفحه اول

دانش آموزان" از پذیرفتن مدیر منصوب شده از سوی آموزش و پرورش سرباز زده و خود به اداره این مدارس پرداختند. اداره کل آموزش و پرورش منطلق این دو مدرسه را منحل اعلام داشت. این تصمیم مورد تأیید وزارتخانه مربوطه نیز قرار گرفت. اما "عده ای از اولیاء دانش آموزان" بی اعتنا به این تصمیمات نه مدیر دولتی را به مدرسه راه می دادند و نه حاضر به مذاکره با وزیر بودند آن ها فقط حاضر به پذیرفتن نماینده دفتر رفسنجانی بودند. این "عده ای از اولیاء" دانش آموزان" برای طومارهای انجمن های اسلامی دانشگاه ها، معلمان و ده ها طومار و مطلب دیگر که پشت سر هم در روزنامه ها چاپ می شد هم تره خرد نکردند. اعتراضات نمایندگان مجلس هوادار موسوی در نطق های پیش از دستور و پس از دستور هم کار ساز نشد. "عده ای از ... به توپ و تشرهای وزارت آموزش و پرورش و دستور انحلال مدرسه واقعی ننهادند. وزارت آموزش و پرورش تلاش کرد با حیل و اختصا ص حاصل این دو مدرسه به حوزه امتحانی "رزمندگان اسلام" آن را از جنگ این عده در آورد اما در این امر نیز ناکام ماند "عده ای از اولیاء" دانش آموزان" خود را نیازمند بیان مجوز کار خود نمی دانستند اما از طومارها می شد فهمید که لایحه اجازه تاسیس مدارس "غیر انتفاعی" مجوز آنان بوده است. وقتیکه چند چال حسابی بالا گرفت. "عده ای از اولیاء" دانش آموزان" خمینی را به میدان کشاندند و وی در سخنرانی روز عید فطر به سود آنان حکم داد و گفت در مدارس، دانشگاه ها باید "مردم" دخالت داشته باشند. خمینی گفت دولت و مسئولین که اعتراف دارند به تنهایی نمی توانند کارها را انجام دهند، دست "مردم" را در تاسیس دانشگاه ها باز بگذارند و در کار آنها اشکال تراشی نکنند و این یعنی سپردن مدارس به دست "عده ای از اولیاء دانش آموزان" و تاجر خرپول بازاره

شماره ۳۰
تاریخ ۶۵/۱/۱۱

امروز دفاع از اسلام و ایران همه شوراها از اهم واجبات الهی است که هیچ جهیز دیگر در مکتب ما نمی تواند انجام آن نمی شود.

شرکس می تواند جبهه های برود هر کس نمی تواند در پشت جبهه کلاه کشد.

(اسامی مخفی)

ضمناً یاد آوری می نماید منظور تسهیل در امر اعزام موارد ششماهه ذیل نیز شامل حساب داولولین خواهند شد.

در طول حضور در جبهه ها کلیه حقوق و مزایای ماهانه مانند حقوق عائله مندر حق مسکن کلاه جنگی مسختی کاره مزایای نیکوکاری و پاداشی افزایش تولید و بدل فدان نمرود از طرف شرکت پرداخت خواهد شد.

با توجه به ساعات انجام وظیفه در جبهه ها در هر ماه به میزان معدل ساعات اضافه کاری انجام شده در سه ماهه قبل از اعزام اضافتاً برای افراد منظور خواهد شد در صورتیکه معدل اضافتاً انجام شده در سه ماهه قبل از اعزام از ۸ ساعت کمتر باشد حداقل ۸ ساعت منظور خواهد شد.

در صورتیکه داولولین اعزامی در طول مدت خدمت در جبهه به برطنی معلول یا از کار افتاده گردند معلولیت آنان ناشی از انجام کار نظامی و طبس غیرت شرکت با آنان رفتار خواهد شد.

افراد مجروح در جبهه ها در تمام طول مدت درمان از دریافت مابه التفاوت حقوق و مزایا ماهانه با توجه به مبالغ دریافتی از سازمان تأمین اجتماعی از طریق شرکت بهرست خواهند بود.

در طول مدتی که افراد مجروح جنگی تحت درمان سرپایی هستند در هر ماه ۷ ساعت و در صورتیکه بهتری باشند هر ماه ۸ ساعت اضافه کاری منظور خواهد شد. (بمقتضای مستند پشتیبانی از جنگ)

کلیه کارکنان شرکت در قبال حوادث ناشی از جنگ و کار تا مبلغ ۴۰۰۰/۰۰۰ بیمه شده اند به مبلغ بیمه بختیار ذیل قابل پرداخت است.

از کارفادگی دائم تا مبلغ ۴/۰۰۰/۰۰۰
نسبی در صد روز ۴/۰۰۰/۰۰۰
شهادت و قسرت تا ۲/۰۰۰/۰۰۰

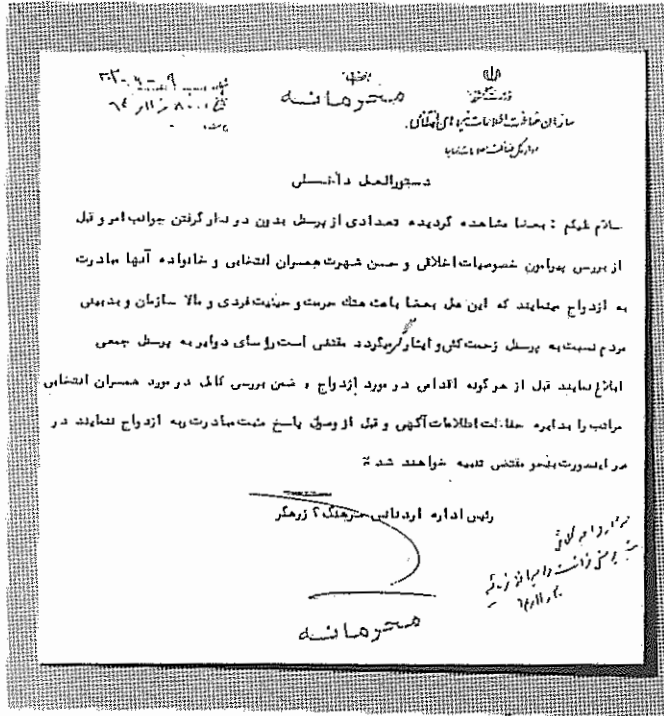
در مقابل هر ۶ ماه خدمت در جبهه ها میزان درصد حقوق ثابت به حقوق آنها اضافه خواهد شد و برای خدمت کمتر از ۶ ماه و همچنین مزاد بر ۶ ماه به آزا هر ماه نیم درصد به حقوق آنها اضافه خواهد شد و در صورتیکه از حداکثر سقف درصد تجاوز ننماید کرد.

روابط عمومی

در تنور جنگ بسوزید، تا چه شما حقوق و مزایای کافی، اضافه کاری و بیمه پرداخت شود! اطلاعاتیه روابط عمومی کارخانه ایران خودرو (ایران ناسیونال) - که کلیشه بخشی از آن را مشاهده می کنید - به کارگران چنین می گوید: در دیگر کارخانه ها نیز اطلاعاتیه های مشابهی صادر گشته است، رژیم می کوشد از فقر و فلاکت کارگران پلای سازد که بک سر آن به تنور سوزان جنگ ختم شود.

ازدواج فقط با اجازه ساواک جمهوری اسلامی

پرسنل کمیته‌ها، شهربانی، ژاندارمری و ... حق ندارند بدون اجازه و تایید ساواک جمهوری اسلامی ازدواج کنند. همانگونه که در سند کلیشه شده مشاهده می‌کنید "سازمان حفاظت اطلاعات نیروهای انتظامی" که شعبه‌ای از ساواک جمهوری اسلامی است این حق را برای خود قائل شده است که در زمینه ازدواج پرسنل انتظامی تصمیم گیرنده باشد. رژیم شاه نیز چنین رویه‌ای داشت. اگر گمان می‌کنند با این شیوه‌ها - که سلب کامل اختیار از افراد حتی در زمینه‌های عاطفی شخصی است - می‌توانند از بازنایب روند‌های حاد اجتماعی در درون دستگاه سرکوب خود جلوگیری کنند، باید گفت که همچون سلف سرنگون شده خود خود کور خوانده‌اند.



خمینی بار دیگر ...

بقیه از صفحه اول

در انفجار نخست وزیری به زندان افکنده شده بودند اعتراض شده بود. در این نامه نوشته شده بود: "تا به امروز بیش از چند ماه است که جمعی از برادران مخلص و متعهد به اسلام و جمهوری اسلامی و از جمله باران شهید رجایی که هر یک از ما یک یا چند نفر از آنان را می‌شناسیم به اتهاماتی یکسری اساس واهی و دردآور و زیانمان لال، آن‌هم به خونخواهی آن شهید بزرگوار به بند کشیده شده‌اند." به دنبال درج این نامه در جراید، دادستانی کل کشور، پلی اطلاعاتی، آزادی دستگیرشدگان را اعلام داشت.

کشمکش باز هم اوج گرفت. در این راستا روزنامه دولتی اطلاعات در سرمقاله ۱۲ خرداد خود کاپوس همیشگی همه دسته‌بندی‌های درون حکومت، آگاهی و خشم مردم را به طرفین دعوا گوشزد کرد:

"چرا در ذهنیت مردم بذر شک بیافشانیم؟ حالا چه وقت تحصن شجاعانه است؟ شجاعت در مقابل کی و چی؟ راستی مهمترین مساله ما فعلا پرونده مخومه انفجار نخست وزیری است؟ چرا این امور باید نقش روزنامه شود؟ آن نامه ۶۱ امضایی که محرمانه فراهم شده بود چگونه به روزنامه کشیده شد و تذکره ۶۲ نفره در مقابلش؟ که چی؟ الدین بیلغون رسالات الله ... یعنی همین؟ یعنی مترصد بودن که کدام ضعف و ابهام و نارسایی در دستگاه اجرایی یا سیاسی کشور بروز می‌کند و انگشت بر آن نهاده، زخم را فشردن و چرک و خون رابه همه نشان دادن؟"

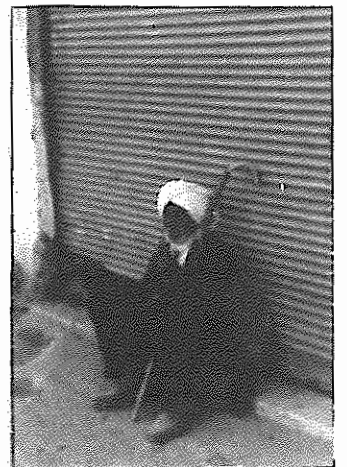
یکی از دولتمردان جمهوری اسلامی عطاالله مهاجرانی کشاکش‌های درونی را چنین تصویر کرده است: "مثل کسی می‌مانیم که در زمستان سختی در کلیه‌ای چوبین در متن توفان و برف و سرمایایی که استخوان را می‌ترکانند، تصمیم گرفت برای گرمی تنش اتاق چوبی اش را آتش بزند. این شیوه که دارد نرم‌نرم شیوه مختار می‌شود غیر از آتش زدن خانه و سوراخ کردن کشتی چه تعبیر دیگری می‌تواند داشته باشد؟"

با توجه به شدت این درگیری‌هاست که بخش مهم سخنان خمینی در روز عید فطر خطاب به سرکردگان رژیمش، به این امر اختصاص یافته است و او بار دیگر وارد این معرکه شد و از ضرورت چنگ زدن به "حبل‌الله" دم زده است.

حال و روز پیران ما



عمری جان‌کنده‌اند. در مزرعه و در کارخانه. در دشت و کویر و ده و شهر. عاقبتشان چنین شده است. پناه دیوار نشسته‌اند و دست تکدی دراز کرده‌اند تا این دوروزه آخر این پیران به پایان برسانند. کم نیستند پیرانی که حال و روزشان چنین است. رنج برای زحمتکشان پایانی ندارد. دست از کار که بازمانده، دهان باز نمی‌ماند، همچنان محتاج نان است. از کجا باید این نان تامین شود؟ از حقوق بازنشستگی؟ چه حرف‌ها! تنها به بخش کوچکی از زحمتکشان چنین حقوقی



مأمورین نمی‌گذارند، پولی هم در نمی‌آید. بالاخره شاید کار به دراز کردن دست‌گدایی بکشد. عمری با عرق جبین نان خوردن و دست‌نیاز به سوی این و آن دراز نکردن و عاقبت ... آری، چنین است سرنوشت تلخ بسیاری از پیران ما، پدران و پدربزرگ‌های ما.

(عکس‌ها از خبرنگاران نشریه "اکثریت")

تعلق می‌گیرد، آن‌هم چقدر؟ خیلی دست بالا را بگیریم تنها می‌توانند خسرچ دو اودرمانشان را از این طریق تامین کنند. کرایه خانه را چه کنند؟ خرج خورد و خوراک خود و عائله‌شان را چه کنند. به فرزندان امیدی نیست. آن‌ها خود گرسنه و بی‌کارند. باید فکری کرد. اگر توانی باشد باز باید جان کند. اگر دیگر قوتی در بازو نباشد باید بساط مختصری در برابر خود بهن کرد و به دستفروشی پرداخت.

بمباران مرکز مخابرات اسدآباد

روز یکشنبه ۱۸ خرداد، هواپیماهای عراق تاسیسات مخابرات بین‌المللی ایران را واقع در اسدآباد همدان، بمباران کردند. در پی این بمباران که به قسمتهائی از این مرکز مخابراتی صدمات و خسارتی وارد آمده ارتباط تلفنی ماهواره‌ای بین‌المللی جمهوری اسلامی با بسیاری از نقاط جهان با کشورهای واقع در شمال اروپا و برخی دیگر از کشورهای اروپائی و کشورهای واقع در خاور میانه و نزدیک پکلی قطع شد. قطع ارتباط تلفنی جمهوری اسلامی به مدت چهار روز ادامه داشت. جمهوری اسلامی در روز ۲۲ خرداد ماه با ترمیم ضایعات وارد آمده به تاسیسات مخابرات اسدآباد، موفق شده است مجدداً ارتباط تلفنی را با برخی از کشورها برقرار سازد.

اخباری از جبهه‌های جنگ

در هفته گذشته محور اصلی جنگ، آبیهای خلیج فارس گزارش شد. عراق طرف هفته گذشته اعلام کرد که به چند نفتکش در حوالی سواحل ایران حمله کرده است. نفتکش لیبریایی که مورد حمله عراق قرار گرفته است، در شرف غرق شدن قرار دارد. خبر حمله عراق به این نفتکش از سوی بیمه لویدز در لندن تأیید شده است. عراق همچنین اعلام کرد که نیروی هوائی آن کشور به تاسیسات نفتی خارک حمله کرده است. از سوی دیگر جمهوری اسلامی اعلام کرد که در جبهه‌های شمالی و جنوبی دست به حمله زده است. خبر حمله هوائی جمهوری اسلامی به مواضع عراق در ناحیه عملیاتی والفجر ۸ از سوی رسانه‌های بین‌المللی نیز تأیید شده است. عراق اعلام کرده است که یک فروند هواپیمای اف - ۱۵ متعلق به نیروی هوائی جمهوری اسلامی را در جبهه جنوبی سرنگون نموده است.

بهداشت در جمهوری اسلامی

عکسی که مشاهده می‌کنید تایلویی است از وضعیت بهداشتی در حکومت ولایت فقیه. در عکس خیابان سخایی تهران تصویر شده است، تلی از زباله در خیابان پهناده رو!



مناسبات جمهوری اسلامی و کشورهای امپریالیستی

* طارق عزیز وزیر امور خارجه عراق طی دیدار خود با سران حکومت فرانسه و از جمله میتران رئیس جمهوری این کشور در پاریس اعلام کرد که عراق امیدوار است بهبود مناسبات بین دولت فرانسه و رژیم جمهوری اسلامی به تخریب مناسبات عراق و فرانسه منجر نگردد.

* موسوی نخست‌وزیر در پایان جلسه هیات دولت اعلام کرد که "در زمینه روابط ایران و فرانسه، نشانه‌های امیدوار کننده‌ای به چشم می‌خورد." (رادیوی جمهوری اسلامی - ۲۱ خرداد)

* ولایتی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی در مصاحبه با کیهان عربی اعلام کرد: "ما از گفتگوهای که در جهت حل مشکلات موجود در روابط دو کشور ایران و فرانسه صورت می‌گیرد استقبال می‌کنیم" (کیهان - ۱۴ خرداد)

* کاردار جدید جمهوری اسلامی ایران در کانادا با حجت‌الاسلام خامنه‌ای رئیس جمهور ملاقات و گفتگو کرد. خامنه‌ای طی این ملاقات روی گسترش مناسبات فی‌مابین دو کشور ایران و کانادا تأکید کرد. (کیهان ۱۷ - خرداد)

* سفیر هلند در تهران با ولایتی وزیر امور خارجه رژیم ملاقات کرده و پیام وزیر امور خارجه هلند را تحویل ولایتی داده است. در این دیدار سفیر هلند خواستار همکاری هر چه بیشتر دو کشور گردید و ولایتی نیز بر گسترش مناسبات جمهوری اسلامی و هلند تأکید کرد. (رادیوی جمهوری اسلامی - ۲۱ خرداد)

* رادیوی آلمان فدرال ضمن ارائه تفسیری از روابط بین جمهوری اسلامی و فرانسه اعلام کرد که کشور فرانسه پیش از روی کار آمدن دولت شیراک در قمار روی مناسبات خود با جمهوری اسلامی، دچار شکست و خنثی شده بود. (رادیو آلمان فدرال - ۲۱ خرداد)

با وجود افلاس اقتصادی

سهمیه ارزی جنگ تغییر نخواهد کرد

آقازاده وزیر نفت جمهوری اسلامی طی یک مصاحبه مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی اعلام داشت که درآمد ارزی دولت در سال جاری ۸ تا ۹ میلیارد دلار خواهد بود. این مبلغ تقریباً نصف درآمدی است که در لایحه بودجه سال جاری پیش‌بینی شده بود. اما به نظر کارشناسان اقتصادی، دستیابی به این مقدار ارز نیز برای دولت در سال جاری ناممکن خواهد بود. با وجود این آقازاده تأکید کرد که بنا به تصمیم کمیسیون تخصیص ارز، هیچگونه تغییری در میزان سهمیه ارزی جنگ داده نخواهد شد و بر اساس مصوبه همین کمیسیون، هزینه‌های ارزی جنگ در رتبه نخست هزینه‌های ارزی رژیم جای دارد. وزیر نفت در این مصاحبه افزود که در عرصه تخصیص ارز برای تولیدات محدود و پتلهای جدی اعمال خواهد شد.

باید افزود که رادیوی دولتی جمهوری اسلامی در ۲۱ خرداد اعلام کرد که هیات دولت تصویب کرده است. ۴۰ میلیارد ریال دیگر بر بودجه پیش‌بینی شده برای سپاه افزوده شود.

افزایش تصادفات رانندگی

سرمنگ صحیمی فر رئیس جدید اداره راهنمایی و رانندگی تهران اعلام کرد در شش ماهه دوم سال ۶۴، در سطح شهر تهران ۷۸۲۴ مورد تصادف منجر به مرگ، جراحت و خسارت گزارش شده است، حال آنکه در شش ماهه دوم سال ۶۳، مجموع این قبیل تصادفات ۶۳۹۱ مورد اعلام شده بودند. بدین ترتیب تعداد موارد تصادف در سطح تهران ظرف یک سال ۲۵ درصد افزایش داشته است.

از سوی دیگر روزنامه کیهان ۷ خرداد طی گزارشی از عملکرد سال ۶۴ وزارت صنایع سنگین، بقیه در صفحه ۱)

گزارشی از کارخانه ابران یاسا

وضعیت فلاکتناز مالی و ارزی رژیم رونق تولید در کارخانه ها را با توقف و یا اختلال جدی مواجه ساخته است. برای مقابله با این امر مدیران واحدهای تولیدی بطور گسترده سیاست انحراف کارگران را به اجرا می گذارند و در اجرای سیاست صرفه جویی و کاهش مخارج نیز سعی می شود که این امر با حذف امکانات بسیار محدود کارگران صورت پذیرد. به یک گزارش در این زمینه توجه کنید:

در فروردین ماه سال جاری در کارخانه ابران یاسا از طرف مدیریت عامل کارخانه اطلاعیه ای انتشار یافت که طی آن ضمن هشدار نسبت به احتمال تعطیلی کارخانه در سه ماه آینده، خواسته شده بود که کارگران باید با پالای بردن کیفیت تولید از ضایعات بکامند، مدیریت هم چنین بعنوان جلوگیری از "حیف و میل" دستور داده شد (میوه) و بیاضا غذای کارگران قطع شود. قبل از آن نیز از افزایش حقوق کارگران که ناشی از اجرای طرح طبقه بندی مشاغل بود ممانعت بعمل آمده بود. تشدید فشار بر کارگران در شرایطی است که ریخت و پاش ها و حیف و میل های مسئولین همچنان ادامه دارد. در عین حال عده ای از سرپرستان قسمتهای فنی و مهندسی این کارخانه و همچنین در دفتر سرپرستان تولیدی که یکی از آنها مسئول پیچ کارخانه می باشد برای یک سفر ۴۵ روزه به آلمان فدرال اعزام شدند کارگران می گویند اگر وضع مالی کارخانه خراب است چرا اینها را به آلمان می فرستند.

در تعطیلات نوروز مقرر شد که قسمتهای فنی جهت سرویس ماشین آلات اضافه کاری کنند و در عوض افرادی را که اضافه کاری کرده اند با مرخصی به سفر شیراز یا مشهد بفرستند. پس از پایان کار ظاهر سرپرستها ابراد گرفته و اعلام داشته اند که کارهای مقرره انجام نگرفته است در نتیجه سفر ملغی می گردد.

وضعیت تولید در بخشهای مختلف کارخانه مزبور به قرار زیر است:

- قسمت تولید دستکش خانگی که قبلا در دو شیفت و با ۷ درصد ظرفیت کار میکرد به مدت یکماه و نیم، از نیمه دوم اسفند تا اوایل اردیبهشت، بخلت نبودن مواد اولیه تعطیل بود اکنون این قسمت با تهیه مواد اولیه از بازار داخلی با ۲۲ درصد ظرفیت کار می کند.

- قسمت پخت تایر که ظرفیت آن در سه شیفت ۱ هزار حلقه بود بجز آن هزار حلقه کاهش یافته است.

- قسمت تولید تیوب که ۷۰۰ حلقه تولید می نمود ۱۵۰۰ حلقه کاهش تولید داشته است.

- قسمت تولید لوله خرطومی کلکی خوابیده است

- قسمت ام. آر. جی که فرآورده های لاستیکی تولید می کند و بسیار سودآور است با ۷۰ درصد ظرفیت کار می کند.

- قسمت اکتوردر با ظرفیت ۴۰ درصد در دو شیفت کار می کند.

- قسمت دستکش صنعتی در سه شیفت و با ظرفیت کامل کار می کند. این قسمت به مدت ۴ ماه در اختیار سپاه پاسداران قرار داشت.

* چندی پیش عده ای از معلمین شیراز در اعتراض به اجحافات مدیر کل آموزش و پرورش استان فارس در محل این اداره اجتماع کردند، این اجتماع به دنبال ابلاغ دو هفته شدن تدریس روزانه به عده ای از معلمین صورت گرفت. آموزش و پرورش حاضر نیست بابت کار دو هفته حقوق بیشتری به معلمین بپردازد.

* چندی پیش گروهی از ساکنین محله اطراف کلبه سعدی در شیراز برای تامین آب آشامیدنی محله به طور دسته جمعی به شهرداری شیراز مراجعه کردند. از آنجا که شهردار با تامین این خواسته ابتدایی نیز مخالفت می کرد، مردم ضمن دادن شعارهایی دست به تظاهرات زدند. آن هایش از بازگشت به محله، خود اقدام به نصب خطوط انشعاب کردند. پاسداران سپاه و کمیته که برای سرکوب مردم به محل آمده بودند، علیرغم دست زدن به تیر اندازی نتوانستند کاری از پیش ببرند.

* در اواخر بهمن ماه در تهرانسر، میان مردم محل و پاسداران درگیری شدیدی بوجود آمد. پاسداران قصد داشتند بازار دایر شده در این محل را بهم بریزند که با مقاومت مردم روبرو شدند. مردم با دادن شعار مرگ بر پاسدار با تهاجم آنان مقابله کردند.

* در اصفهان گروههایی پزشکان این شهر برای بررسی امور صنفی خویش با تهاجم اوباشان رژیم مختل گردید. پزشکان این شهر در اعتراض به این تهاجم وحشیانه دست به اقداماتی زده اند.

پیش از این واقعه نیز پزشکان اصفهان در اعتراض به تحمیلات رژیم چندین حرکت جمعی اعتراضی انجام داده بودند.

* دزدی و اختلاس در ادارات و ارکان های دولتی استان ایلام، همانند دیگر نقاط کشور، پیدای می کند، فی المثل تنها در سازمان تعاونی روستایی ایلام مبلغ ۱۶۶/۵۰۰/۰۰۰ ریال اختلاس شده است.

* از طرف فدراسیون دو و میدانی از روز پنجم اردیبهشت ماه یک مسابقه دو تریپ داده شد. مسابقه می بایست از میدان بهارستان آغاز و به فلکه دوم تهرانپارس ختم می شد. از صبح آرزو واحدیابی از سپاه پاسداران در محل آغاز مسابقه حاضر شده و لغو مسابقه دورا اعلام داشتند. آنها در پاسخ کارگران که علت لغو مسابقه را می پرسیدند گفتند "چون عده ای افراد ضد انقلاب قصد دارند مانند دفعه قبل توطئه کنند مسابقه را لغو کردیم" گفته می شود علت لغو این مسابقه هراس رژیم از تکرار واقعه ۱۸ بهمن ماه بود که طی آن دانش آموزان مسابقه دو را بدل به یک تظاهرات اعتراضی علیه رژیم کرده بودند.

* کارگران کارخانه پارس متال در بهمن ماه جهت دریافت حق بهره وری دست به اعتصاب زدند.

* روز ۱۹ بهمن کارگران کارخانه مارکابین در اعتراض به شدت و سختی کار اعلام اعتصاب کردند. این اعتصاب در همین روز با قول مساعد کارفرما پایان یافت.

* یکی از زمین داران شهرستان ساری بنام دکتر امید به کمک ارکان های سرکوب رژیم جمهوری اسلامی، اراضی سابق خود را که در زمان انقلاب توسط کشاورزان مصادره شده بود، پس گرفت. علاوه بر این به خواست این زمین دار، مقامات قضائی عده ای از کشاورزان را دستگیر و زندانی کردند.

* در پارس آباد به دستور مسئولین ۲۰ هکتار از اراضی کشاورزان را به صولتی، فتودالی که قبیل از انقلاب این اراضی را در تصرف داشت، پس داده شد. مسئولین دولتی اکنون تلاش می ورزند که همه زمین های سابق این فتودال را در این منطقه، از چنگ کشاورزان بدر آورند. کشاورزان پس از انقلاب این اراضی مصادره شده را بطور دسته جمعی به زیر کشت برده بودند.

در همین منطقه در روستای خان قشلاقی نیز مسئولین می کوشند اراضی سابق فتودالی بنام کریم فرهنگ را از کشاورزان پس بگیرند.

* در آذرماه کشاورزان روستای رازمیر کنده ساری برای وادار ساختن مسئولین به مرمت تنها جاده این روستا دست به تحصن در محل جاده زدند. مسئولین دولتی از آنجا که گسترش و مرمت این جاده روستائی باعث می شد بخشی از زمین های یک سرمایه دار در مسیر جاده قرار گیرد، از انجام این کار سر باز می زدند. تحصن کشاورزان به پیروزی انجامید و جاده به خواست آنان مرمت گردید.

* پیگیری کشاورزان روستای یوزیایی در اطراف ساری برای مرمت جاده این روستا، باعث بروز درگیری هائی میان کشاورزان و انجمن اسلامی این روستا گردید.

* کامیون داران قزوین اخیرا در اعتراض به کاهش نرخ باربری توسط فرمانداری، دست به اعتصاب زدند. این اعتصاب که از حمایت یکپارچه همه کامیونداران برخوردار بود به پیروزی رسید و آنان با ایجاد شورایی امور حمل و نقل را خود برعهده گرفتند.

* در روز اول اردیبهشت عده زیادی از ژاندارم ها و پاسداران مسلح همراه با مامورین شهرداری یک پارد دیگر به محله خاک سفید تهران حمله بردند تا خانه های زحمتکشان را خراب نمایند. در حین که آنان مشغول تخریب خانه یکی از چنگ زدگان خرمشهری بودند، مردم به مقاومت برخاستند و درگیری شدیدی میان اهالی این محله و مامورین مسلح دولتی پدید آمد. مردم با دادن شعارهایی علیه رژیم جمهوری اسلامی و با ایستادگی در برابر مهاجمین، آنان را از محله بیرون راندند. دو تن از ساکنین محله که در این درگیری دستگیر شده بودند، پس از چندی آزاد شدند.

* کارمندان موزه های تهران در برابر دستور مسئولین مبنی بر کار در روزهای جمعه و تعطیلات عید، دست به مقاومت زدند. مسئولین برای کار اضافی در ایام تعطیل اضافه حقوق در نظر نگرفته اند. کارمندان که مصمم هستند به هیچ وجه زیر بار این اجحاف نروند به طور یکپارچه از رفتن به سر کار در ایام تعطیل خودداری ورزیده اند.



به مناسبت ۱۱ ژوئن، سالگرد محکومیت ماندلا و همزمان

از دستگیری نلسون ماندلا رهبر کنگره ملی آفریقا و مظلم مبارزه و پیبایداری خلق آفریقای جنوبی در برابر نژادپرستان، ۲۴ سال می‌گذرد. ماندلا در طول این ۲۴ سال، هیچ‌گاه ناپدیدین حد به آزادی نزدیک نبوده است. پیکاری بی‌امان سراسر آفریقای جنوبی را در تب و تاب خود فرو برده و نوید آزادی رهبر مردم را می‌دهد. گویی رهبر کنگره ملی آفریقا، منگامی که ۲۲ سال پیش، در دادگاه پرتوریا از خلق خود دفاع می‌کرد، این روزها را در پیش چشم داشت. بخش‌هایی از دفاعیه ماندلا در محاکمه موسوم به "محاکمه ریونیا" (محل بازداشت جمعی از همزمان ماندلا) را برگزیده ایم که ترجمه آن به چاپ می‌رسد.

دفاعیه نلسون ماندلا در دادگاه

مبارزه زندگی من است

من، متهم ردیف اول هستم. پایان‌نامه تحصیلی دانشکده فلسفه را دارم و به اتفاق الیور تامبو، سال‌ها در ژوهانسبورگ به عنوان وکیل دعاوی کار کرده‌ام. هم‌اکنون در حال گذراندن پنج سال زندان به علت خروج غیر قانونی از کشور و دعوت به اعتصاب در اواخر ماه مه ۱۹۶۱ هستم.

قهر خلق علیه قهر ضد خلق

پس از این تذکرات اولیه، می‌خواهم فوراً کمی مفصل‌تر به مسئله قهر بپردازم. برخی از چیزهایی که در دادگاه گفته شد، درست است، و برخی نادرست. اما من به هیچ عنوان منکر این نیستم که نقشه اقدامات تخریبی را طرح کرده‌ام. عمل من، از روی بی‌فکری و یا دوست داشتن زور نبود. قبل از طرح این نقشه‌ها، ارزیابی هشیارانه و دقیقی از موقعیت سیاسی ایجاد شده بر اثر سال‌ها حاکمیت زور، استثمار و ستم بر خلق من توسط سفیدپوستان، انجام گرفت.

من آشکارا می‌گویم که در تاسیس "اومکونتو و سیزوه" ("نیزه خلق" که بعدها به شاخه مسلح کنگره ملی آفریقا تبدیل شد - م). شرکت داشتم و تا هنگام دستگیری در اوت ۱۹۶۲ نقش درجه اولی در این سازمان ایفا کردم...

... من و سایرین، که این سازمان را ایجاد کردیم، به دو علت دست به این کار زدیم. اولاً ما بدین نتیجه رسیده بودیم که سیاست حکومت در برابر خلق آفریقای چاره دیگری جز توسل به قهر نمی‌گذارد و اگر نتوانیم احساسات خلقمان را به کمک یک رهبری مسئولانه، به مسیرهای مستحکم و کنترل شده هدایت کنیم، این احساسات به اقدامات تروریستی‌ای می‌انجامید که حتی پیش

از آغاز می‌خواهم به روشنی اعلام دارم که ادعای دادستانی در آغاز محاکمه، که مبارزه در آفریقای جنوبی از خارج و یا توسط کمونیست‌ها هدایت می‌شود، به کلی نادرست است. هر چه من به عنوان انسان و به عنوان رهبر خلق خود کرده‌ام، بازتاب تجربیات خود من و هویت آفریقای من است که بدان میاهات می‌کنم، و نه نتیجه هر گونه اظهارات دیگران.

در دوران جوانی‌ام در "ترانسکای" هنگامی که ریش سفیدان قبیله‌مان از روزگار قدیم سخن می‌گفتند، به آن‌ها گوش می‌دادم. آنچه بر من تاثیر ویژه‌ای داشت، داستان‌های آنان درباره نبردهایی بود که پیشینیان ما برای دفاع از وطن خود انجام می‌دادند. "دینگانه" و "پامپاتا" "هینت‌سا" و "ماکانا"، "سکونگستی" و "دالاسیل"، "موشو" و "سکونگونی" را همگان قهرمانان کل ملت آفریقای می‌دانستند.

در آن روزها من امید داشتم زندگی به من امکان دهد در خدمت خلق خود قرار بگیرم و سهم ناچیز خود را در حق مبارزه

کند، خودداری کردیم. اما واقعیت سرسخت این بود که پنجاه سال چشم‌پوشی از اعمال قهر، برای آفریقای ما تنها قوانینی سرکوبگرانه‌تر و حقوق کمتر به همراه داشت...

اوایل ژوئن ۱۹۶۱، به دنبال بررسی مفصل و دقیق اوضاع آفریقای جنوبی، من و چند تن دیگر از رفقا به این نتیجه رسیدیم که با توجه به اجتناب ناپذیر بودن قهر در این کشور، این غیر واقع‌بینانه و نادرست است که رهبران آفریقای همچنان به تبلیغ صلح و مسالمت ادامه دهند، در حالیکه حکومت، مدتهاست با خواست‌های صلح‌آمیز، با قهر مقابله می‌کند.

ما اتخاذ این تصمیم را ساده نگرفتیم. هنگامی که همه راه‌های دیگر مسدود شده و همه امکانات اعتراض مسالمت‌آمیز از ما گرفته شده بود، ما تصمیم گرفتیم به اشکال قهرآمیز مبارزه سیاسی روی آورده و "اومکونتو و سیزوه" را بنیاد کنیم. ما نه از آنجا که این راه را مطلوب می‌دانستیم، بلکه تنها از آن رو که حکومت راه دیگری در برابر ما نگذاشته بود، چنین کردیم. در منشور اومکونتو، که شانزدهم دسامبر ۱۹۶۱ منتشر شد، اعلام داشتیم:

"هر ملت در طول تاریخ خود یک بار در برابر این تصمیم قرار می‌گیرد که یا تسلیم شود و یا مبارزه کند. اکنون این لحظه در آفریقای جنوبی فرا رسیده است. ما تسلیم نخواهیم شد، و راه دیگری نیز نداریم جز آنکه با همه ابزارهایی که در اختیار داریم، ضربات متقابل وارد سازیم و از خلق خود، آینده خود و آزادی خود دفاع کنیم."

از جنگ آشکار، انزجار و نفرت میان نژادهای مختلف ایجاد می‌کرد. ثانیا به این نتیجه رسیده بودیم که خلق آفریقای، بدون توسل به قهر کوچکترین چشم اندازی برای مبارزه موفقیت‌آمیز علیه حاکمیت سفیدپوستان ندارد. همه امکانات قانونی مقاومت، از طریق وضع قوانین از میان رفته بود و ما در برابر این انتخاب قرار داشتیم که یا تا ابد به موقعیت مغلوب تن در دهیم و یا علیه حکومت به پیکار برخیزیم. ما مبارزه با قوانین را برگزیدیم. نخست قانون را به گونه‌ای نقض می‌کردیم که هیچ گونه احتمال خشونت در آن نبود. تنها هنگامی که قوانینی برای غیر ممکن کردن این شکل از مقاومت وضع شد و دولت به اعمال قهر علنی برای سرکوب هر گونه مخالفت با سیاست خود روی آورد، تصمیم گرفتیم قهر را با قهر پاسخ دهیم...

... ما به عنوان رهبران خلق خود، چه باید می‌کردیم؟ آیا می‌بایستی نظر به نمایش قدرتی که آینده همه اقدامات را به خطر می‌انداخت، عقب می‌نشستیم و یا می‌باید علیه آن مبارزه می‌کردیم، و اگر دست به مقاومت می‌زدیم، چگونه؟

ما تردید نداشتیم که باید مبارزه را ادامه دهیم. هر کار دیگری، تسلیم‌پذیری، مشل‌کننده‌ای می‌بود. مسئله ما این نبود که باید مبارزه می‌کردیم یا نه، بلکه این بود که چگونه می‌بایستی به نبرد ادامه می‌دادیم. ما، کنگره ملی آفریقا، همواره خواهان دمکراسی غیر نژادی بوده‌ایم، و از دست زدن به هر کاری که شکاف میان نژادها را باز هم عمیق‌تر

کنیم.

... من مطالعه هنر جنگ و انقلاب را آغاز کردم و طی سفرهای خارجی خود، یک دوره آموزش نظامی دیدم. می‌خواستم اگر کار به جنگ چریکی بکشد، در موقعیتی باشم که بتوانم به اتفاق خلق خود، مبارزه کرده و یا خلق در خطرات جنگ شریک باشم...

کمونیست‌ها، رزمندگان استوار راه آزادی

یک اتهام دیگر دادستانی این است که اهداف کنگره ملی آفریقا و حزب کمونیست یکسانند... به گمان من کمونیست‌ها در مبارزه رهایی بخش مستعمرات، همواره نقش فعالی ایفا کرده‌اند، زیرا اهداف کوتاه مدت کمونیسم، همیشه با اهداف درازمدت جنبش‌های رهایی بخش در انطباق است. مثلا کمونیست‌ها در مبارزه رهایی بخش کشورهای نظیر مالزی، الجزایر و اندونزی نقش مهمی ایفا کرده‌اند، و با این همه، هیچ یک از این کشورها امروز کمونیستی نیست. کمونیست‌ها همچنین در جنبش‌های مقاومتی که در هنگام جنگ جهانی دوم مخفیانه در اروپا شکل گرفت، نقش مهمی داشتند. حتی ژنرال چیانگ کایچک که امروز از سرسخت‌ترین دشمنان کمونیسم است، همراه با کمونیست‌ها علیه طیفه حاکم جنگیده و توانست از این طریق، در دهه ۲۰ در چین به قدرت برسد.

همکاری میان کمونیست‌ها و غیر کمونیست‌ها در جنبش رهایی بخش ملی آفریقای جنوبی نیز طبق همین الگو انجام گرفته است. پیش از ممنوع شدن حزب کمونیست، فعالیت‌های مشترک این حزب و جنبش کنگره، اقدامی معمول بود. کمونیست‌های آفریقای می‌توانستند به عضویت کنگره ملی آفریقا (ک.م.آ.) درآیند و درآیند. برخی از آن‌ها در کمیته‌های ملی، استانی و محلی کار می‌کردند...

من در سال ۱۹۴۴ به ک.م.آ. پیوستم، و در سال‌های جوانی اعتقاد داشتم پذیرش کمونیست‌ها در ک.م.آ. و همکاری نزدیکی که برخی اوقات میان ک.م.آ. و حزب کمونیست در زمینه‌های معینی وجود داشت، به مخدوش شدن فکر ناسیونالیسم آفریقای می‌انجامد. در آن زمان، من عضو سازمان جوانان ک.م.آ. بودم و به گروهی تعلق داشتم که خواهان

تقویت می‌کند. با آنکه من هرگز عضو حزب کمونیست نبوده‌ام، من نیز به علت نقشی که در کارزار علیه قوانین آپارتاید به عهده گرفتم، مشمول این قانون شوم شدم. همچنین طبق همین قانون بود که تحت تعقیب قرار گرفته و زندانی شدم.

تنها در سیاست داخلی نیست که ما کمونیست‌ها را از کسانی می‌شماریم که از مبارزه ما حمایت می‌کنند. کشورهای کمونیست، در عرصه بین‌المللی همواره جانب ما را گرفته‌اند. در سازمان ملل و سایر سازمان‌های بین‌المللی، بلوک کمونیست از پیکار آفریقا و آسیا علیه استعمار حمایت کرده است. آنها اغلب بیش از برخی دولت‌های غربی با ما همدردی می‌کنند. با آنکه آپارتاید در سراسر جهان محکوم است،



نلسون ماندلا در زندان - جزیره روبن ۱۹۶۶

بلوک کمونیست در محکومیت آن مواضع پیشگامتری دارد تا اکثر کشورهای غربی. در چنین شرایطی، انسان می‌بایست بسیار جوان و کم تجربه باشد تا مثل من در سال ۱۹۴۹ کمونیست‌ها را دشمن بداند.

از عدالت پژوهی آفریقای تاسوسیا لپسم

به دیدگاه خود می‌پردازم. من کمونیست بودن خود را منکر شده‌ام، و گمان می‌کنم تحت این شرایط موظفم عقاید سیاسی خود را دقیقاً تشریح کنم. من خود را همیشه و در وهله اول یک میهن‌پرست آفریقای دانسته‌ام. ۴۶ سال پیش در "اوماتا" به دنیا آمدم. کفیل من، پسر عموی من بود که در آن زمان ریاست قبیله "تمبولند" را داشت. من هم با رئیس فعلی این قبیله، "سایاتا دالین دیبو"، و هم با "کایزر ماتانزیما"، نخست وزیر

کمونیست‌ها را به عنوان دوست می‌پذیرند. اما برای ما، درک این امر آسان است. مناقشات نظری میان کسانی که علیه ستم مبارزه می‌کنند، کالای لوکسی است که ما نمی‌توانیم در این مرحله داشته باشیم. از این گذشته، در طول ده‌ها سال، کمونیست‌ها تنها گروه سیاسی در آفریقای جنوبی بودند که حاضر بود با آفریقای‌ها به عنوان انسان‌های برابر رفتار کند. آن‌ها حاضر بودند با ما بخورند، با ما سخن بگویند، با ما زندگی کنند، با ما کار کنند و با آفریقای‌ها برای تحقق خواست‌هایشان در جامعه همکاری نمایند. از این رو است که امروز بسیاری از آفریقای‌ها مفهوم آزادی را با کمونیسم یکی می‌دانند. قوه مقننه نیز که به همه مدافعان حکومتی دمکراتیک و آزادی آفریقای‌ها برچسب کمونیست می‌زند و بسیاری از آن‌ها را که کمونیست نیستند، بر پایه "قانون سرکوب کمونیسم" تحت پیگرد قرار می‌دهد، این عقیده آن‌ها را

ترانسکای، خویشاوندی دارم. امروز، اندیشه جامعه بی‌طبقه جذابیت زیادی برای من دارد. این تاثیر را من از ادبیات مارکسیستی گرفته‌ام. بخشی از آن نیز ناشی از طرز فکر ستایش آمیز من نسبت به ساختمان و سازمان نظام‌های اجتماعی که در آن زمان اصلی‌ترین ابزار تولید بود، به قبیله تعلق داشت. نه از غنی و فقیر و نه از استعمار خیری نبود.

همان‌گونه که گفتیم، این درست است که من از اندیشه‌های مارکسیستی تاثیر گرفته‌ام. اما این امر برای بسیاری از رهبران کشورهای نواستقلال نیز صادق است. شخصیت‌های به کلی متفاوتی نظیر کاندی، نهرو، نکرومه و ناصر این واقعیت را می‌پذیرند. همه ما بر آنیم برای آنکه خلق ما بتواند به پای کشورهای پیشرفته رسیده و میراث فقر مفرط فائق آید، نوعی سوسیالیسم لازم است. اما این به معنی مارکسیست بودن ما نیست.

من به سهم خود معتقدم هنوز معلوم نیست در این مرحله از مبارزه سیاسی ما به حزب کمونیست نقش ویژه‌ای محول شود. وظیفه اصلی در حال حاضر، محو تبعیض نژادی و دستیابی به حقوق دمکراتیک بر پایه منشور آزادی است. تا زمانی که این حزب در خدمت این هدف باشد، من از پشتیبانی آن استقبال می‌کنم و آن را امکانی می‌دانم تا بتوان مردم را از همه نژادها به مبارزه ما جلب کرد.

من زندگی خود را وقف پیکار خلق آفریقای کرده‌ام. من علیه حکومت مطلق سفیدپوستان و یا حکومت مطلق سیاهان به مبارزه برخاسته‌ام. من همواره به دنبال آرمان جامعه‌ای دمکراتیک و آزاد بوده‌ام که در آن همه انسان‌ها به طور سالم‌آمیز و با امکانات برابر در کنار هم زندگی کنند. زندگی و مبارزه من برای این آرمان است. اما اگر لازم باشد، آماده‌ام تا در این راه، مرگ را نیز بپذیرا شوم.

در ۱۱ ژوئن ۱۹۶۴، پس از خاتمه محاکمه، ماندلا و هفت تن دیگر (والتر سسولو، گوان میکی، ریموند ملابا، الیاس موتسو آلدی، آندرو ملانگنی، احمد کاترادا و دنیس گلدبرگ) محکوم شدند. ماندلا در رابطه با چهار مورد اتهام "خرابکاری" مجرم شناخته شده و مانند سایرین، به حبس ابد محکوم گردید.

سیاست در آمریکا

* به طرف چقدر برده اخته اند؟

تنها راه تضمین پیروزی در انتخابات کنگرس در آمریکا این است که کاندیدها حمایت انحصارات را به همراه داشته باشند. آن کسی در انتخابات می برد که بیشترین پول را خرج کرده و به بیان بهتر برایش خرج شده باشد. اخیرا سناتور دمکرات ویلیام پروکسمیر برای این که در مصاف بین رقبا از قدرت تاثیر نخبه پیرش دلارهای خرج شده از سوی انحصارات کاسته شود، پیشنهاد کرده است. در تلویزیون بعد از این که نطق نمایندگان کنگرس به پخش می شود بلافاصله اعلان گردد به طرف چقدر برده اخته اند و این نماینده اجیر شده کدام انحصار است. اگر این پیشنهاد جالب پذیرفته می شد، مردم آمریکا می فهمیدند پشت هر نطق پرشور و حرارت چقدر دلار خوابیده است.

* از آن پهرس که می داند!

به گزارش رویتر برماآلمادوار، یک دختر تلفنی خود را برای احراز پست معاونت فرماندار ایالت کالیفرنیا کاندیدا کرده است. وقتی از او در مصاحبه ای پرسیدند آخر فحشاراچه به سیاست پاشخ داد در آمریکا "فحشا" سیاست بیشتر از آنکه فکرش را کنید، با هم رایطه دارند.

نظر شیخ و شاه درباره زنان

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی در نماز جمعه ۱۶ خرداد ۱۳۶۵

شجاعت و دلیری قوی تر است، در حالی که زن ها ظریف ترند و عمدتا دوست دارند تحت حمایت قرار گیرند. این اختلافات که وجود دارد در سپردن مسئولیت ها، تکالیف و حقوق موثر واقع می شود. ما معتقدیم به خاطر اطلاعی که شارع اسلام از وجود انسان ها دارد، برنامه مناسبی ارائه داده است. قرآن نیز می گوید این فطرت الهی است و دین باید از دینی است که بر اساس فطرت پایه گذاری شود."

بیماری ها در زن و مرد نشان می دهد که در تمامی این زمینه ها مرد ها قوی تر و توانا ترند. اندازه مغز مرد ها بزرگتر است. بلوغ زن ها زودتر است. قدرت تنفس ریه مردان بیشتر و سرعت ضربان قلب زن ها سریع تر است. از طرف دیگر تمایل مرد ها به مبارزه بیشتر است و در مقابل زن ها هیچانی تر هستند. ضمن آنکه مرد ها به مسائل استدلالی و عقلی توجه دارند، در حالی که زن ها عمدتاً به احساسات متمایل هستند. همچنین روحیه تحت حمایت قرار دادن در مردان و نیز

"حق و حدود طبیعی و مطابق با مقتضیات موجود باید به همه داده شود تا عدالت تأمین گردد، ولی مساوات این عدالت را تأمین نمی کند. باید شرایط طبیعی هر شخص مورد نظر واقع شود و در خانواده نیز باید مقتضیات وجودی و ارگانیک بدنی زن و مرد بررسی شود. بنابراین عدالت بدین معنی نیست که هر قانونی که وضع می شود، برای زن و مرد یکسان باشد. تفاوت اندام، قد، خشونت، مدد، رشد، کیفیت، عملیات و نیروی بدنی، مقاومت در مقابل مصائب و

شاه معدوم در مصاحبه با اوربانا فالاجی

می خواهند برابری قانونی داشته باشند. ببخشید که من این طور صحبت می کنم، ولی این چگونه با استعدادان جور در می آید؟ زن ها نه تنها میکمل آنز و باخ عرضه نداشته اند، بلکه حتی یک آشیز قابل هم از بین خود بیرون نداده اند به من بی خود نکویید که برای این کار به زنان امکان داده نشده است. آیا واقعا زنان چنین فرصتی نداشتند که در طول تاریخ یک

ارزش زن برای یک مرد فقط زمانی است که زن زیبا و پلناز باشد و بداند چگونه زن بماند.

این داستان آزادی زن! من نمی دانم این فمینیست ها چه می خواهند؟ واقعا چه می خواهند؟ شما می گوئید برابری حقوق می خواهند، حقیقتاً که! من نمی خواهم بی ادبانه صحبت می کنم، اما ... زن ها

آشیز قابل عرضه کنند؟ زنان هیچ چیز با عظمتی عرضه نکرده اند، هیچ چیز! تنها مطلبی که می توانم درباره زنان بگویم این است که آن ها هرگاه به قدرت رسیدند، خیلی قسی تر از مرد ها بوده اند، بسیار ظالم تر از آنان و خیلی خون خوار تر! زنان به هنگام حکومت قسی القابند ... شما اصولا مکارید، همه موذی هستید ..."

حکایات و روایات

ولتر (۱۷۷۸-۱۶۹۴)

دست از کار خود نمی کشید. البته اغلب بانام مستعار می نوشت و مقالاتش را بدون امضا منتشر می کرد و هرگونه دخالت در نوشتن این مقالات را منکر می شد. اما با این همه، نثر ولتر را همه می شناختند، بنابراین تصمیم گرفت در نوشته هایش عبارات مهمل و بی معنی وارد سازد. وقتی این کار هم شمر نداد و باز او را به خاطر مقاله ای مورد حمله قرار دادند، با خشم پاسخ داد: "برای من قابل درک است که چنین اندیشه هایی به من نسبت دهند، اما چگونه می توانند بگویند نثری تا بدین حد ضعیف دارم." ناشری برای ایچ گرفتن از

ولتر از همان او ان جوانی با زندان پاستیل سروکار پیدا کرد و به علت انتشار مقاله ای علیه دوک دورلن، مدتی را در این زندان گذراند. بعداً با در میانی برخی از دوستان باعث شد تا دوک او را عفو کرده و مقرری اش را به عنوان استاد، دوباره برقرار سازد. ولتر خطاب به دوک نوشت: "از این که عالیجناب به فکر نان شب من هستم، ممنونم. اما تقاضا دارم در آینده به فکر تهیه مسکن برای من نباشید."

با آنکه ولتر به خاطر حملات طنز آمیزش علیه مقدس ترین شلون مملکت، بارها تکفیر، تعقیب و تبعید شده بود،

ولتر، به او نامه نوشت که صد داستان افشاگر در پاره وی در اختیار دارد و اگر ولتر صد سکه "لوئیدور" بدو بپردازد، آنها را منتشر خواهد کرد. ولتر بلافاصله جواب داد: "فکر بسیار خوبی است. می خواهم معامله پیشنهادی را با شما انجام دهم. اگر صد لوئیدور به من بپردازید، صد داستان افشاگر دیگر در پاره خودم در اختیارتان می گذارم."

ژان باتیست روسوی شاعر، چندین نمایش کمدی نوشته بود که هیچ کدام موفق نبود، و از این رو به شعر روی آورد. یکی از اشعار او "نامه به آیندگان" نام داشت. ولتر، که فعالیت ادبی روسو را با احساس همدردی دنبال می کرد، این شعر را خواند و در پاره آن چنین اظهار نظر کرد: "شعر واقعا جالبی است، ولی تنها می ترسم هرگز به دست مخاطبانش نرسد."

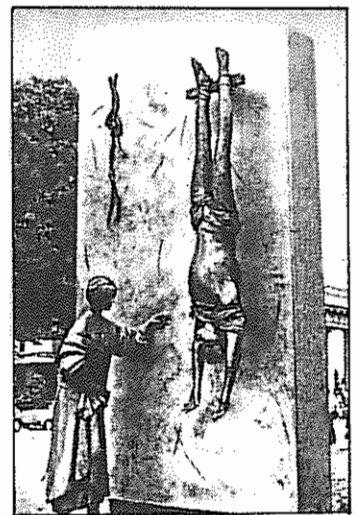
کتابهای ولتر بارها تکفیر و به دست آتش سپرده شد. مثلا فریدریش دوم پادشاه پروس مجادله ولتر با "موپرتیوس" رئیس آکادمی برلن را ممنوعه اعلام کرده و دستور داد نسخه های آن را در مجادین به آتش بکشند. خاکستر کتابهای ولتر را برای تسکین خاطر موپرتیوس به نزد او می فرستادند. واکنش ولتر در برابر این کتاب سوزان چنین بود: "عالی است. کتاب به شاه بیلوط می ماند. هرچه برشته تر باشد، فروش آن بیشتر است."

فیلسوفی که همه مذاهب را متناقض و ناکامل می دانست، به فکر افتاد مذهب جدیدی بنیان نهد، و از ولتر پرسید به نظری چگونه می توان چنین کرد. ولتر به فیلسوف این توصیه را داد: "خود را به صلیب بکشید و چند روز بعد از نزد مردگان بازگردید."

تبعیض نژادی در آمریکا بیداد می‌کند

در بیستم آوریل اخبار شبکه تلویزیونی آمریکا اشاره کوتاهی به مسئله "حساسیت مردم سفیدپوست آمریکا نسبت به ازدواج‌های افراد از نژادهای مختلف" داشت و به عنوان نمونه با زن جوان سیاهپوستی مصاحبه کرد که با همسر سفیدپوستش اخیراً در یکی از محلات متوسط شهر لس‌آنجلس خانه‌ای خریده‌اند. با اینکه هنوز مدت کوتاهی از نقل مکان آن‌ها به خانه جدیدشان در محله سفیدپوست نشین نمی‌گذرد ولی از همان روز اول مورد اذیت و آزار و تهدیدات شدید همسایه‌ها قرار گرفته‌اند. مرد می‌گفت: "هر روز نامه‌های ناسزا و تهدیدآمیز به خانه ما می‌اندازند و مرا مورد فحاشی قرار می‌دهند که "زن و بچه سیاهت را بردار و از محله ما ببرد" تا کنون چندین بار شیشه‌های منزل ما را شکسته‌اند. خرگوش کوچکی را که برای تولد پسرم برایش خریده بودم در جلوی در خانه با تفنگ کشتند. وقتیکه به پلیس شکایت کردیم هیچ‌گونه حمایتی از حقوق ما به عمل نیامد و حالا روزوشیمان دائم در ترس و اضطراب می‌گذرد." زن می‌گفت: "کودک پنج ساله‌ام آنچنان در کودکستان و در میان بچه‌های محل و همسایه‌ها مورد اذیت و آزار قرار گرفته که هر روز اشک‌ریزان به خانه می‌آید و به من می‌گوید من تو را نمی‌خواهم من یک ماما سفید می‌خواهم."

این هم گوشه دیگری از برکات کشوری که به ادعای رئیس‌جمهورش، "مشعل آزادی" و "امید جهانیان" است.



دجسه مقاومت: اثر هنرمند ایتالیایی جیاسومو مانزو

شعر و مفاخر ایران

بر سنگفرش

احمد شاملو

یاران ناشناخته‌ام
چون اختران سوخته
چندان به خاک تیره فرو ریختند سرد
که گفתי
دیگر
زمین
همیشه
شبی بی‌ستاره
ماند.

□

آنگاه
من
که بودم
چند سکوت لانه تاریک دردخویش
چنگ زهم گسیخته زه را
یک سونهام
فانوس برگرفته به معبر درآمدم
گشتم میان کوچه مردم
این بانگ با لبم شرافشان:

«آهای!»
« از پشت شیشه‌ها به خیابان نظر کنید!
« خون را به سنگفرش ببینید!...»

□

« این خون صبحگاه است گوئی به سنگفرش
« کاینگونه می‌تپد دل خورشید
« در قطره‌های آن...»

□

بادی شتابناک گذر کرد
برخفتگان خاک ،
افکند آشیانه متروک زاغ را
از شاخه برهنه انجیر پیرباغ...
«- خورشید زنده است
در این شب سیا [که سیاهی روسیا
تا قندرون کینه بخاید
از پای تا به سر همه جان‌ش شده دهن ،
آهنگ پرصلابت تپش قلب خورشید را
من
به سنگفرش»

روشن‌تر
پر خشم‌تر
پر ضربه‌تر شنیده‌ام از پیش...
از پشت شیشه‌ها به خیابان نظر کنید!
از پشت شیشه‌ها
به خیابان نظر کنید!
از پشت شیشه‌ها به خیابان
نظر کنید!...»

□

نوبرگ‌های خورشید
بر پیچک کنار درباغ کهنه رست.
فانوس‌های شوخ ستاره
آویخت بر رواق گذرگاه آفتاب ..
من بازگشتم از راه
جانم همه امید
قلبم همه تپش
چنگ زهم گسیخته زه را
زه بستم
پای دریچه
بنشستم
وزنم‌ئی که خواندم پرشور
جام لبان سرد شهیدان کوچه را
با نوشند فتح شکستم;
«آهای!»
این خون صبحگاه است گوئی به سنگفرش
کاینگونه می‌تپد دل خورشید
در قطره‌های آن...
از پشت شیشه‌ها به خیابان نظر کنید
خون را به سنگفرش ببینید!
خون را به سنگفرش
ببینید!
خون را
به سنگفرش»

بیان فشرده‌ای از:

مفهوم اخلاق در مارکسیسم



سرمایه‌داری را نکوهش و سوسیالیسم را ستایش کنند، اگر چه آنها قاطعانه معتقدند که سوسیالیسم اخلاقی‌تر سرمایه‌داری است.

برخی از اندیشه‌های پایه در مبحث اخلاقیات مارکسیستی از این قرارند: این ایده عدالت نیست که تولید کالاها را به نظم در می‌آورد؛ این ایده خود ناشی از شیوه تولید است؛ این نیازها و علایق واقعی پرولتاریاست که آنها را به نبرد علیه سرمایه‌داری بر می‌خیزاند و نه ایده‌های حق و عدالت، هر چند که این ایده‌ها وقتی که توده‌ها متقاعد می‌گردند که ناعادلانه و نایق رنج کشیده‌اند، به نیرویی توانمند بدل می‌گردند؛ هیچ حقیقت ابدی اخلاقی و هیچ خیر عام و مطلقی وجود ندارد؛ اخلاقیات سرمایه‌داری، همچون اخلاقیات دیگر طبقات حاکم، ضرورتاً منفعت‌طلبانه خود را با خیر مطلق یکی می‌نمایاند؛ همه اندیشه‌ها و نظام‌های اخلاقی یک منشأ و بینه تاریخی دارند و به صورت‌بندی‌های خاص اجتماعی وابسته‌اند؛ اخلاقیات کمونیستی برترین نوع ممکنه اخلاق در این دوره از تکامل تاریخ است، چرا که این اخلاقیات بازتاب نیازها و علایق طبقه‌ای است که تنها او قادر است جامعه را از طریق لغو بهره‌کشی سرمایه‌داری و رها ساختن نیروهای رشدیابنده مولد از قید روابط سرمایه‌دارانه به سطح برتری از تکامل ارتقا دهد.

مارکسیست‌ها نه تنها منکر اخلاق نیستند، بلکه اخلاقیات را بر پایه‌ای استوار می‌سازند که برتر از همه جوامع پیشین است. کشورهای سوسیالیستی بر آنند که برای نول به کمونیسم نه فقط به سطح بالایی از تولید، بلکه به سطح بالایی از اخلاقیات نیازمندند. "انسان کمونیستی" باید دارای کیفیات مختلفی باشد که از آنجمله‌اند، شوق به کار کردن بدون اجبار اقتصادی، توانایی ارجمند دانستن منافع عمومی بر منافع محدود فردی، احترام به تولید کنندگان و دست‌آورد‌های کار، تهور در پرورش دادن استعداد‌های خود و بهره‌گیری از این استعدادها نه برای ارضای شخص خود و کسب پرستیژ اجتماعی، بلکه به منظور خدمت به بهبود وضعیت مادی و فرهنگی جامعه به عنوان یک کل. در نژد بسیاری از مردم جهان سرمایه‌داری اندیشه پرورش یافتن چنین زنان و مردانی تنها خیالپردازی طرفدار یک ناکجاآباد است. اما در نژد مارکسیست‌ها این امر نتیجه منطقی و اخلاقی کل‌تئوری جامعه و تاریخ است.

به نقل از "کتاب آموزش فلسفه مارکسیستی" تالیف هوارد سلسام و هاری مارتل (با اندکی اختصار)

"ما به جای اجتماع کهنه بورژوازی، با طبقات و تضادهای طبقاتی، جامعه‌ای خواهیم داشت که در آن رشد آزادانه یکی، شرط رشد آزادانه همه خواهد بود."
مانیفست حزب کمونیست

مارکسیسم هم بدان متهم گشته است که فاقد اخلاقیات است و هم این که تئوریهایی اقتصادی و سیاسی اش به توسط ملاحظیات اخلاقی هدایت گشته و رنگ آمیزی می‌شود. مارکس، انگلس و لنین در مورد تئوری اخلاق نوشته‌های کمی دارند، اما در آثارشان به شکل ضمنی به بیان نظریه‌ها و قضاوت‌های اخلاقی نیز پرداخته‌اند.

مارکسیسم پردازنده شیوه علمی برخورد به جامعه است و در همان حال یک زاویه اخلاقی نیز برای نگرش به جامعه گشوده است. مارکسیسم دارای اخلاقیات ویژه خویش، یعنی نظریه‌ای در باب نیک و بد، درست و نادرست و پیشرفت و پسرفت است. مارکس و انگلس در اواسط دهه چهل قرن گذشته بدین باور رسیدند که در برابر سوسیالیسم تخیلی پایستی پایه سوسیالیسم رانه بر روی احکام اخلاقی بلکه بر روی تحلیل علمی سرمایه‌داری و یک تبیین عمومی از روندهای تاریخی اجتماعی-اقتصادی قرار داد. آنها زاویه نگرش اخلاقی سوسیالیسم تخیلی رانه از آن نظر که "اخلاقی"، بلکه از آن نظر که فاقد مبنای علمی بود، مورد نقادی قرار دادند.

انگلس این موضوع را چهل سال بعد در مقدمه خود بر چاپ اول آلمانی "فقر فلسفه" مارکس توضیح داد اگر ما بگوییم در قوانین اقتصاد سرمایه‌داری، عدم تعلق بخش اعظم تولیدات به کارگرانی که خود آنها را تولید کرده‌اند، امری ناعادلانه است، در مورد اقتصاد چیزی نگفته‌ایم، تنها احساس اخلاقی خود را بیان کرده‌ایم. به این دلیل است که انگلس می‌گوید مارکس "هرگز خواسته‌های کمونیستی خود را بر این اساس (یعنی یک احساس اخلاقی) قرار نداده است. اساس برای او فروپاشی اجتناب ناپذیر شیوه تولید سرمایه‌داری است." خلاصه این که مارکس نه "غیر اخلاقی" بودن سرمایه‌داری بلکه تضادهای درونی آنرا که ضرورتاً به مرگ آن ره می‌برد، بررسی می‌کرد.

از این بحث نباید نتیجه گرفت که در حوزه اخلاقیات و اقتصاد بهم ربطی ندارند انگلس می‌پذیرد که از یک زاویه دید اقتصادی دقیق علمی ممکن است سخن گفتن از سهم ناعادلانه کارگران در سرمایه‌داری خطا باشد. اما او تأکید می‌کند "آنچه که ممکن است به شکل صوری به لحاظ اقتصادی نادرست باشد، ممکن است در عین حال از نظر تاریخ جهان درست باشد." او می‌افزاید: "اگر شعور اخلاقی توده مردم یک امر اقتصادی را ناعادلانه بخواند، همانگونه که در مورد برده‌داری و باسراو پیش آمده است، این دلیلی بر آن است که این واقعیت خود پیوسیده گشته است، پدیده‌های اقتصادی دیگری رخ نموده‌اند و بر اثر آن واقعیت پیشین غیر قابل تحمل و غیر قابل دفاع گشته است. بنابراین همانا ممکن است یک مضمون حقیقی اقتصادی در پس یک نادرستی صوری اقتصادی نهفته باشد."

مارکسیست‌ها معتقدند تنها در یک روند تاریخی می‌توان یگانگی قضاوت‌های اخلاقی و تحلیلهای علمی را جستجو کرد. از همینروست که آنها از این امر اجتناب می‌ورزند که تنها بر یک مبنای اخلاقی

تن در صدور تجهیزات به ارزش ۲۲/۸ میلیون دلار دست داشتند.

* بر اساس بیلان عملکرد گمرک ایران، میزان ارزش ربالی واردات جمهوری اسلامی در فروردین ماه سال ۶۵ نسبت به ماه مشابه سال قبل، ۲۰ درصد کاهش داشته است.

* بر اساس مصوبه مجلس شورای اسلامی، مسافرین خارج از کشور ملزم به پرداخت عوارض تازه‌ای به نام "عوارض فرودگاهی" شدند.

* با پایان یافتن دوره عضویت جنتی، خزعلی و صافی در شورای نگهبان، این سه تن روحانی مجدداً از سوی خمینی به عضویت در این شورا، منصوب

از رویدادهای ایران

بقیه از صفحه ۴

اعلام کرد که بررسی کیفیت محصولاتی چون پیکان سواری، مینی بوس ۲۰۹ و اتوبوس ۳۰۲ در اسفندماه سال ۶۴ در مقام مقایسه با ماه مشابه سال قبل نشان می‌دهد که کیفیت محصولات نامبرده از حداقل قابل قبول نیز پائین تر بوده است.

اخبار کوتاه

* به گزارش روزنامه آمریکایی دیلی تایمز هرالد (۱۴ مه) در شهر دالاس دو قاچاقچی که به ایران اسلحه می‌فروختند شناسایی گردیدند. این دو

شدند. (رادبوی جمهوری اسلامی ۲۲ خرداد)

* بیش از ۵۵ درصد مقبره "طوطی" که یک اثر تاریخی ثبت شده می‌باشد، تخریب شده است. این مقبره که ۱۸۰ سال قدمت دارد، از حیث سبک معماری دوره قاجاریه و کتیبه‌های زیبا و کج بری‌های فوق‌العاده، حائز اهمیت فراوانی بوده است.

* در پی تصمیم وزارت صنایع و معادن مبنی بر واگذاری معادن کشور به بخش خصوصی روزنامه کیپان ۱۲ خرداد اعلام کرد که ۲۴ معدن استان سمنان از طریق مزایده به بخش خصوصی واگذار شده است. علاوه بر این معدن ذغال سنگ گانوی سمنان با ذخیره ۲۰۰ هزار تن نیز طی چند روز آینده به بخش خصوصی واگذار خواهد شد.

پیشنهاد مهم پیمان و رشو برای کاهش نیروهای مسلح در اروپا

در بوداپست، اجلاس سران کشورهای عضو سازمان پیمان ورشو با ارائه پیشنهاد مهمی درباره کاهش شمار نیروهای مسلح در اروپا به کار خود پایان داد. طبق این پیشنهاد، می‌توان تا سال ۱۹۹۰ تعداد یک میلیون نفر از نیروهای نظامی متعلق به پیمان ناتو و ورشو که در اروپا مستقر هستند کاست. جزئیات پیشنهاد که به کشورهای عضو ناتو ارائه شده از این قرار است:

پیمان ورشو پیشنهاد می‌کند نیروهای زمینی و نیروهای هوایی تاکتیکی کشورهای اروپایی و این گروه نیروهای آمریکا و کانادا که در اروپا مستقر هستند، کاهش چشمگیری باید و هم‌زمان با این امر، سلاح‌های هسته‌ای تاکتیکی (تا ۱۰۰ کیلومتر) نیز مشمول کاهش شود. طبق این پیشنهاد، در عرض یک تا دو سال ۱۰۰ تا ۱۵۰ هزار سرباز از هر دو طرف از نیروها کاسته خواهد شد که کام اول در راه کاهش نیروهای مسلح در اروپا به شمار می‌رود. تا آغاز دهه

۹۰، نیم میلیون نفر از نیروهای هر طرف مشمول کاهش می‌گردند.

پیمان ورشو پیشنهاد می‌کند تجهیزات و تسلیحات نیروهای مزبور از بین برده شود. از برخی تجهیزات مزبور می‌توان برای مقاصد صلح‌آمیز استفاده کرد، اما مواد منفجره اتمی باید نابود شود. بودجه‌ای که از طریق برنامه کاهش تسلیحات صرفه‌جویی می‌شود، نباید مورد استفاده نظامی قرار گیرد.

در بیانیه اجلاس بوداپست آمده است: "جهان به چنان مرحله‌ای از تحول رسیده است که سرباز زدن از حل مسائل اساسی عصر حاضر، سرنوشت کل تمدن بشری را به خطر می‌افکند." بیانیه می‌افزاید از این رو، کشورهای عضو پیمان ورشو خواهان آن چنان نظام همه‌جانبه امنیت بین‌المللی هستند که همه عرصه‌های نظامی، سیاسی، و اقتصادی را دربرگیرد.

اعتصاب سراسری در هائیتی

سه‌شنبه هفته گذشته، اعتصاب عمومی در هائیتی که به دعوت نیروهای اپوزیسیون صورت گرفت، زندگی را در پورت اوپرنس پایتخت این کشور فلج کرد. اکثر مدارس و فروشگاه‌ها تعطیل بود. کارگران کارخانجات و رانندگان اتوبوس‌ها از دعوت برای اعتصاب استقبال کردند.

هدف اعتصاب در هائیتی، طرح خواست برکناری وابستگان به رژیم دیکتاتوری دووالیه از مقام‌های دولتی بود. رنه تلودوره، دبیرکل حزب متحد کمونیست‌های هائیتی، اعلام داشت انتخابات اعلام شده از سوی هنری نامفی رئیس‌جمهور، تلاشی است برای مقابله با اعتراضات فزاینده مردم. وی افزود این اقدام نیز نمی‌تواند از ادامه مبارزه برای برکناری سرهنگ ویلیام رکالا، وزیر کشور، جلوگیری کند. دبیرکل حزب متحد کمونیست‌های هائیتی پشتیبانی حزب خود را از "کمیته بحران" که توسط نیروهای اپوزیسیون تشکیل گردیده و هدف آن، انحلال شورای نظامی حاکم و روی کار آمدن دولت غیرنظامی است، اعلام کرد.

لازم به یادآوری است هنری نامفی، رئیس شورای نظامی هائیتی اخیراً اعلام کرد در نوامبر ۱۹۸۷ انتخابات ریاست جمهوری در این کشور برگزار خواهد شد. وی گفت نامزد احراز مقام ریاست جمهوری نخواهد بود.

که اتحادیه دربرگیرنده سازمان‌های توده‌ای مخالف رژیم است، اعلام شد. وی افزود در دوازده استان شیلی کمیته‌های "مجمع ملی شهروندان" تشکیل شده است.

* ۷ درصد سندیکاهای شیلی با شرکت اعضایشان در اعتصابی که قرار است در روزهای دوم و سوم ژوئیه علیه رژیم پینوشه انجام گیرد، موافقت کرده‌اند. این امر توسط رئیس "مجمع ملی شهروندان"

اخبار کوتاه

* به گزارش روزنامه آمریکایی دالاس مورنینگ نیوز، ادن پاستورا از رهبران باند‌های ضد انقلابی نیکاراگوئه همراه ۲۰۰ تن از اعضای این باند بدنبال شکست‌های نظامی سنگین، از کشور خارج شده و در کوستاریکا اقامت گزیده است او در کوستاریکا طی مصاحبه‌ای اظهار داشت: "ما فکر می‌کنیم که پیروزی نظامی امکان‌پذیر نیست. ما نمی‌خواهیم سربازان آمریکا باشیم" روزنامه دالاس مورنینگ نیوز نوشت پاستورا امیدوار است که توسط دولت نیکاراگوئه بخشوده شود و به کشورش باز گردد.

* ۶۵۰ تن از دانشمندان و مهندسان آمریکایی ملی‌نامه‌ای که به کنگره آمریکا ارسال کردند، اعلام داشتند که پروژه "جنگ ستارگان" را تحریم خواهند کرد. در میان امضا کنندگان این نامه استادان علوم و مهندسی ۱۱۰ موسسه تحقیقاتی ۴۱ ایالت آمریکا وجود دارند. این ۱۱۰ موسسه، ۷۵ درصد بودجه تحقیقاتی پنتاگون و بنیاد تحقیقاتی ملی علوم را به خود اختصاص می‌دهد.

* علی‌رغم ممنوعیت تظاهرات، هزاران نفر از مردم نامیبیا در روز یکشنبه اول ژوئن در یک راهپیمایی اعتراضی در شهرک کاتوتورا واقع در نزدیکی ویندهوک پایتخت نامیبیا شرکت جستند. هدف از این تظاهرات، که توسط چندین سازمان کلیسایی ترتیب داده شده بود، اعتراض به ادامه اشغال نامیبیا توسط رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی بود. شرکت کنندگان در تظاهرات پرچم‌های سازمان خلق آفریقای جنوب غربی (سواپو) را در دست داشتند.



سربازان رژیم پینوشه در حالیکه صورت خود را برای شناخته نشدن و در امان ماندن از انتقام سیاه کرده‌اند، به یک محله کارگری شهر "لا لگوا" یورش آورده‌اند.

اعتصاب ۲۰ هزار کارگر نساجی در دهلی

پایین بودن سطح دستمزد کارگران است. کارگران خواهان افزایش دستمزد خود به میزان صد درصد هستند.

هم‌زمان با اعتصاب کارگران، بسیاری از نیروهای ترقی‌خواه هند خواهان خلع پد از صاحبان کارخانجات نساجی و انتقال مالکیت آن‌ها به دولت شده‌اند.

اعتصاب ۲۰ هزار کارگر نساجی در شهر دهلی همه کارخانجات نساجی دهلی را از کار انداخت. در لحظات تنظیم این خبر، هفته دوم اعتصاب ادامه دارد. اعتصاب به دعوت کمیته تدارکی متشکل از همه اتحادیه‌های کارگری اصلی هند انجام می‌گیرد. از هنگام آغاز اعتصاب در ۲۸ ماه مه، حتی یک کارگر نساجی در دهلی به سرکار نرفت. علت اعتصاب،

زنان، پیش‌تاز مبارزه برای صلح

من، تنها نگرانی یک شهروند شوروی نیست، بلکه بعنوان یک انسان، یک زن و یک مادر نگرانم... کشور من در جنگ جهانی دوم ۲۰ میلیون قربانی داد، و مردم شوروی هیچگاه مصیبت های ناشی از جنگ را فراموش نخواهند کرد.

خانم الناکامنتسکویا در بخش دیگری از گفتگو با خبرنگار ما، پیرامون رابطه مسابقه تسلیحاتی و مسائل کشورهای رشد یافته گفت: "به نظر من، رابطه بسیار نزدیک و مستقیمی میان مسابقه تسلیحاتی و نظامی کردن عرصه های گوناگون از یک سو، و مشکلات کشورهای رشد یافته از سوی دیگر، وجود دارد. همه بودجه ای که صرف برنامه های نظامی می شود، می توانست به عنوان کمک در اختیار این کشورها قرار داده

چندی پیش، خبرنگار "اکثريت" در بریتانیا با استفاده از فرصت برگزاری جلساتی که به دعوت "مجمع ملی زنان" (عضو فدراسیون بین المللی زنان دمکرات) پیرامون مبارزه علیه برنامه "جنگ ستارگان" ریگان ترتیب داده شده بود، با کانی وان پرایت، مدیر تحقیقات در "انستیتیوی صلح و همکاری در فضا" از ایالات متحده، آمریکا و الناکامنتسکویا، کارشناس حقوق بین المللی در فضا از آکادمی علوم اتحاد شوروی، که به عنوان زنان کارشناس امر صلح و همکاری دولتهایه این جلسات دعوت شده بودند، گفتگویی انجام داد. در این گفتگو، خانم وان پرایت و خانم کامنتسکویا پیرامون مسائل مختلف مربوط به جلوگیری از نظامی کردن فضای کیهان و نقش زنان در مبارزه برای صلح و علیه جنگ اظهار نظر کردند.

خانم وان پرایت در پاره پروژه "ابتکار دفاعی استراتژیک" ریگان (موسوم به جنگ ستارگان) گفت: "انگیزه اصلی این طرح، بستن قرارداد با مجتمع نظامی - صنعتی است. سودجویی، محرک نیرومند مسابقه تسلیحاتی است." وی از پیشنهادها و ابتکارات اخیر اتحاد شوروی مانند منع استقرار تسلیحات در فضا، موراتوریوم آزمایش سلاحهای ضد ماهره ای، موراتوریوم انفجارهای هسته ای و پیشنهاد گسترش همکاری دولتهای برای استفاده صلح آمیز از فضا قدر دانی نمود.

خانم وان پرایت در پاسخ سئوالی پیرامون ادعای دولت آمریکا مبنی بر اینکه پیشنهادها شوروی تنها تبلیغات است، اظهار داشت: "چرا ما هم چنین تبلیغاتی به راه نیاوردیم؟... اگر ما در این جهت حرکت کنیم هیچ ضرری نخواهیم کرد." وی در مورد نقش زنان در مبارزه برای صلح گفت: "زنان نشان داده اند دارای این توانایی هستند که علیرغم اختلافاتی که ممکن است با هم داشته باشند، گرد هم آیند... در رابطه با همین موضوع، خانم کامنتسکویا دانشمند شوروی گفت: "زنان نیروی عظیمی در جهان هستند. ما نیمی از جمعیت جهان را تشکیل می دهیم. به نظر من، زنان به مثابه مادر نیز نگرانی بیشتری در مورد مسائل مربوط به صلح دارند. من عمیقاً نگران امر صلح هستم. این نگرانی

راهپیمایی پرشکوه جوانان فرانسه برای آزادی نلسون ماندلا



دیگر کشورها به امتزاز در آورد.

جوانان فدایی همچنین با برپایی نمایشگاهی از تبهکاری های جمهوری اسلامی علیه جوانان میهن ما، دوستداران ترقی و آزادی را با گوشه هایی از رنج و رزم جوانان ایرانی آشنا کردند.

روز اول ژوئن نیز خیابان های مرکزی پاریس صحنه راهپیمایی پر شور قریب شصت هزار تن بود که به ابتکار جوانان کمونیست فرانسه، شعار همبستگی با کنگره ملی آفریقا را سر دادند. جوانان فدایی فعالانه در این حرکت اعتراضی علیه تبعیض نژادی و برای آزادی نلسون ماندلا شرکت داشتند. عکسها صحنه هایی از گردمایی و راهپیمایی جوانان در پاریس را نشان می دهند.

روز ۲۱ ماه مه در پاریس، به دعوت سازمان جوانان کمونیست فرانسه، هزاران نفر از جوانان و مردم این کشور طی یک گردمایی وسیع، خواهان آزادی "نلسون ماندلا" زهیر زندانی خلق آفریقای جنوبی در پیکار علیه آپارتاید، شدند.

در این تظاهرات پر شکوه که با شعار "آزادی برای نلسون ماندلا، این مانهر مقاومت و رهائی خلق آفریقای جنوبی" برپا شده بود، نمایندگان از جوانان کمونیست و مترقی کشورهای بسیاری شرکت داشتند. سازمان جوانان فدایی خلق ایران (اکثريت) از جمله سازمان های دعوت شده به این گردمایی بود که فعالانه در آن شرکت جست، پرچم همبستگی با مبارزات مردم آفریقای جنوبی را همراه با جوانان کمونیست و مترقی فرانسه و



شود. کشور من، سالها پیش پیشنهاد کرد هزینه های نظامی تقلیل داده شوند و این بودجه، صرف رشد کشورهای در حال توسعه گردد. ما می توانستیم به حل مشکلات عظیم اقتصادی و اجتماعی این کشورها بسیار بیشتر کمک کنیم. در کشورهای سرمایه داری نیز گروههایی از جامعه هستند که در شرایط بسیار دشواری زندگی می کنند، گرسنگی می کشند، پول کافی برای تحصیل، درمان و غیره ندارند. این بودجه می توانست برای آنها نیز امکانات رفاهی بیشتری فراهم کند.

AKSARIYAT

NO. 111

MONDAY JUN 16, 86

Address: آدرس:

RUZBEH

POSTFACH 1810

5100 AACHEN

W. GERMANY